

پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی بر اساس بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

هادی سلیمی^۱، گیتا علیپور^۲، شهین تاروردی زاده^۳، محمدرضا نیکخواه بهرامی^۴

انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های فرد است، اما باورهای غیرمنطقی در مورد انتخاب همسر می‌تواند فرایند ازدواج دختران و پسران را با چالش مواجه کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مقایسه و پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی بر اساس بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان، به روش مقایسه‌ای از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مجرد دانشگاه پیام‌نور تالش در سال ۹۵-۹۶ بودند که ۳۰۰ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسال، مقیاس نگرش به نحوه انتخاب همسر، سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ و مقیاس بهزیستی ذهنی استفاده شد. داده‌ها از طریق آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری گام به گام تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بجز آزمونگری واقعیت، بین دختران و پسران در باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سبک‌های دلبستگی، دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای بهزیستی ذهنی، دلبستگی ایمن، آزمونگری واقعیت و سردرگمی هویت می‌توانند ۱۸/۶٪ از واریانس باورهای غلط همسرگزینی را تبیین کند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان آموزش و مداخله در بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک دلبستگی دختران و پسران را یک روش مؤثر در کاهش باورهای غیرمنطقی همسرگزینی آنان پیشنهاد داد و زمینه تسهیل ازدواج آنان را فراهم کرد.

واژگان کلیدی: باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت، سبک‌های دلبستگی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: hadisalimi69@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.
Email: alipourgita@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.
Email: shahin.tarverdzadeh@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.
Email: nikkhah.najafi@gmail.com

۱. مقدمه

خانواده یکی از مقدس‌ترین نهادهای انسانی است، به طوری که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴/۱۰۳/۲۲۲) و «کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است» (نوری، ۱۳۸۲/۱۴/۱۵۴). این سخنان نشان‌دهنده قداست و بزرگی ازدواج و تشکیل خانواده است. از این رو، ضروری است که به علت شدید شدن تفاوت‌های افراد و همچنین انتظارات متفاوت آنها نسبت به ازدواج، به طور علمی ازدواج و عوامل تأثیرگذار بر آن بررسی شود.

ازدواج به معنای درهم آمیختن دو چشم‌انداز و دو تاریخچه از ارزش‌ها و جهان بینی‌های متفاوت است (اسرا^۱، ایک^۲، و کامفورت^۳، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، ازدواج احساس معنا و هویت پیدا کردن در زندگی است (روزن گراندن^۴، مایرز^۵، و هاتیک^۶، ۲۰۰۴) و مهمترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی است که برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی همواره مورد تأیید بوده است. بنابراین، از جمله عواملی که می‌تواند در پویایی این رسم پیچیده و ظریف نقش کلیدی داشته باشد، باورها و انتظارات افراد در نحوه انتخاب همسر است (ابراهیمی، ۱۳۸۷). باورها نشان‌دهنده اثر شناختی و عاطفی جا گذاشته شده تجربه شخصی از یک شیء یا موضوع اجتماعی مورد نگرش و یک تمایل به پاسخ در برابر آن شیء است. اگرچه باورها دارای ثبات و دوام قابل توجهی است، امکان تغییر آنها با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد (گورمن^۷، ۲۰۰۹). اهمیت مطالعه باور در نحوه انتخاب همسر چنان است که در سال‌های اخیر باور جوانان نسبت به ازدواج و معیارهای همسرگزینی با پیچیده‌تر شدن روابط انسانی مشکل‌تر شده است. در حقیقت یکی از مشکلات جوانان، ناشی از استناداردها و فرضیه‌های ذهنی آنها در مورد ازدواج است (ابراهیمی، ۱۳۸۷). شواهدی وجود دارد که نشان‌دهنده انتظارات غیرواقعی و باورهای نادرست مردم از زندگی زناشویی

1. Esere, M.O.
2. Ake, Y.
3. Comfort, O.
4. Rosen Grandon, J.R.
5. Meyers, J.E.
6. Hattic, J.A.
7. Gurman, A. S.

است؛ آنها انتظار دارند همسرشان همه کاستی‌های زندگی قبل از ازدواجشان را جبران کند (مانسفیلد^۱، ۲۰۰۷). در پس این انتظارات غیرواقعی در مورد ازدواج، افراد با یک سری باورهای محدودکننده و کلیشه‌ای (با چه کسی و چه زمانی ازدواج کنم؟ تقویت کردن باور به تلاش بیش از حد یا بسیار کم برای یافتن همسر مناسب، عدم توجه عمیق در مورد ضعف‌ها و قدرت‌های درون فردی و عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت زندگی زناشویی و در نهایت باور به دائمی بودن مشکلات مربوط به انتخاب همسر و عدم وجود راه‌حل‌های مناسب و سازنده) دست به انتخاب می‌زنند (سپهری، ۱۳۹۰)، اما بعد از شروع زندگی، آنچه را انتظار داشته‌اند، دریافت نمی‌کنند و از انتخاب خود مأیوس می‌شوند. در واقع این‌گونه باورها و انتظارات منجر به انتخاب‌های نادرست و نتایج ویرانگر برای زندگی زناشویی خواهد شد (کشاوری، اکبری امرغان، و ملت‌خواه، ۲۰۱۳) و همان‌طور که باگاروزی^۲ و ران^۳ (۱۹۸۱) در پژوهش خود دریافتند، باورهای غیرواقعی افراد در رابطه با انتخاب همسر منجر به بی‌تصمیمی و ناکامی آنها در فرایند انتخاب همسر خواهد شد.

پژوهشگران شکل‌گیری باور به ازدواج و نحوه همسرگزینی را از رویکردهای مختلفی قابل توجیه می‌دانند. بر اساس نظریه دلبستگی^۴، تعاملات اولیه با مراقبان در ایجاد نیروهای فعال درونی نقش دارد. این‌گونه تعاملات اولیه، ذهن فرد را قادر می‌سازد که فهم دقیق و متعادلی از خود، دیگران و روابط داشته باشد که زیربنای روابط آینده فرد با دیگران و خود است. برخلاف رابطه کودک-والدینی، دلبستگی در روابط بزرگسالی دوجانبه است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که روابط جنسی یا عاطفی همسران یک تصویر دلبستگی اولیه برای طرفین است (هازن^۵، و زیفمن^۶، ۱۹۹۴). براین اساس، هازن^۷ و شیور^۸ (۱۹۸۷) در پژوهش‌های خود دریافتند که سبک‌های دلبستگی اولیه در روابط عاشقانه بزرگسالی توسعه می‌یابد، به‌گونه‌ای که مفهوم دلبستگی به همسر، برای زنان و شوهران جزو پاداش‌های ازدواج

1. Mansfield, J.
2. Baggaqrozzi, D.
3. Rauen, P.
4. attachment theory
5. Hazan, C.
6. Zeifman, D.
7. Hazan, C.
8. Shaver, P. R.



قلمداد می‌شود. این پژوهشگران سه نوع سبک دلبستگی را برای بزرگسالان مطرح کردند؛ در سبک دلبستگی ایمن^۱، افراد به خود و دیگران دیدگاه مثبت دارند و احساس امنیت و تعلق می‌کنند. درحالی‌که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی دوسوگرا^۲ تمایل شدیدی به برقراری روابط نزدیک با دیگران دارند، اما از طرد شدن از سوی آنها نیز نگرانند؛ این افراد هم در مورد خود و هم دیگران احساس منفی دارند. افراد با سبک دلبستگی اجتنابی^۳ دیدگاه منفی نسبت به دیگران، اما نگرش مثبت نسبت به خود دارند، از صمیمیت می‌ترسند و از برقراری ارتباط نیز اجتناب می‌کنند. پورلنگرودی، نوری قاسم‌آبادی و وکیلی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش به نحوه انتخاب همسر رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش‌های بسیاری از رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی (احمدزاده، و همکاران، ۱۳۹۱)، سازگاری زناشویی (اوزمن^۴، و آتیک^۵، ۲۰۱۰)، تعهد (قنبری هاشم‌آبادی، و همکاران، ۱۳۹۰) و نگرش به ازدواج حمایت می‌کنند، اما نتایج پژوهش عارف نظری و مظاهری (۱۳۸۴) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (تک‌همسری یا چندهمسری) رابطه معناداری وجود ندارد.

روابط موضوعی^۶، رویکرد دیگری است که در پیش‌بینی نحوه نگرش به انتخاب همسر نقش دارد. از منظر این رویکرد، اساسی‌ترین ساختار روان‌شناختی، روابط موضوعی درونی شده توأم با یک حالت عاطفی خاص است (کالگور^۷، کرنبرگ^۸، و کلارکین^۹، ۲۰۰۷). کرنبرگ سازه‌های چندبعدی از قبیل روابط موضوعی، مکانیزم‌های دفاعی و هویت را به هم پیوند زده و نظریه سازمان شخصیت را ارائه داده است. بنابراین سازمان شخصیت، ساختار سازمان شده پویا و درعین حال پایداری است که فراتر از مجموعه‌ای از صفات است (هبرت، و همکاران، ۲۰۰۳^{۱۰}). کرنبرگ با ارائه یک ابزار خودگزارشی از سازمان شخصیت، تصویر لایه‌بندی

1. secure attachment style
2. anxious-ambivalent attachment style
3. avoidant attachment style
4. Ozmen, O.
5. Atik, G.
6. object relations
7. Calgor, E.
8. Kernberg, O.F.
9. Clarkin, J.F.
10. Hébert, E. & et al

شده از شدت آسیب‌پذیری شخصیت ارائه کرده است (فیشرن، و همکاران، ۲۰۱۰). در این مدل سازمان شخصیت متشکل از سه سطح آزمونگری واقعیت، سردرگمی هویت و دفاع‌های روان‌شناختی نخستین است. آزمونگری واقعیت به ظرفیت فرد برای متمایز کردن خود از غیرخود (موضوع)، محرک‌های درونی از بیرونی و برقراری انسجام بین ملاک‌های اجتماعی اشاره دارد. فردی که دارای سردرگمی هویت است درک پایداری از خود و دیگران ندارد (میلون، و همکاران، ۲۰۰۴). کرنبرگ بر روی هویت به مثابه ساختار روان‌شناختی خاص تأکید دارد که مسئول احساس فرد از خود و افراد مهم زندگی است. در هویت بهنجار، روابط موضوعی درونی شده، یکپارچه و سازمان‌یافته و تجارب فرد از افراد مهم، تا حدودی پایدار و عمیق است و فرد این توانایی را دارد که جوانب مختلف شخص دیگر را کنار هم قرار دهد و تصویری کلی و منسجم از او داشته باشد (کالگور، کرنبرگ و کلارکین، ۲۰۰۷). دفاع‌های روان‌شناختی نخستین از قبیل فرافکنی، انکار، نارزنده‌سازی، همه‌کارتوانی، تجزیه و دنیومه‌سازی، نشانگر گرایش‌ها و تمایلات دفاعی رشدنا یافته‌ای است که با منابع و انگیزه‌های درونی ناهشیار گره خورده است (میلون، و همکاران، ۲۰۰۴). گرچه کمتر پژوهشی به مطالعه مستقیم رابطه ساختار شخصیت در پیش‌بینی نگرش به نحوه انتخاب همسر پرداخته است، غالب پژوهش‌ها بیانگر وجود رابطه صفات شخصیت با رضایت از ازدواج، پیامدهای زندگی و مدیریت تعارض است (ایگو، ۲۰۱۵؛ اکجا، ۲۰۱۵؛ اشتون، ۲۰۱۳). دین اسلام نیز با آگاهی از این موضوع با بیان این آیه که «زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک» (نور، ۲۶)، نشان می‌دهند که اسلام بر اثرات ویژگی‌های ذهنی و شخصیتی افراد در ازدواج و تشکیل خانواده واقف است و می‌داند که انحراف از این حالت می‌تواند ازدواج و رابطه زناشویی را به خطر بیندازد.

علاوه بر سبک‌های دلبستگی و سازمان شخصیت، بهزیستی ذهنی^۷ یکی از

1. Fischer-Kern, M. & et al
2. Millon, T., & et al
3. Igbo, H.
4. Awopetu, R.
5. Ekoja, O.C.
6. Ashton, M.C.
7. Subjective Well - Being



شاخص‌های روان‌شناختی کیفیت زندگی متغیر است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. (روتمن^۱، کیرستن^۲، و ویسینگ^۳، ۲۰۰۳) بهزیستی ذهنی یک مفهوم سلسله‌مراتبی و چند بعدی است که از دو وجه شناختی و عاطفی تشکیل شده است؛ مؤلفه رضایت از زندگی وجه شناختی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و عدم حضور عاطفه منفی وجه عاطفی آن است (ریسامب^۴، ۲۰۰۶). بهزیستی ذهنی یک اصطلاح عام و کلی است که علاوه بر ارزیابی‌های مثبت و منفی فرد از زندگی خود، لذت، احساسات، نیازهای اساسی و غیره را نیز دربر می‌گیرد (داراپا^۵، ۲۰۱۱؛ ترکدوگان^۶، و دارا^۷، ۲۰۱۲). اهمیت موضوع بهزیستی ذهنی چنان است که لوکاس^۸ و دینر^۹ (۲۰۰۸) آن را هدف نهایی مردم تلقی می‌کنند. همچنین نتایج یافته‌های اخیر نشان می‌دهد افرادی که شادکامی آنها در سطح مطلوبی قرار دارد، دنیا را مکانی امن می‌بینند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، مشاغل مورد علاقه را می‌یابند، حس همکاری و کمک به دیگران دارند و اطلاعات محرک‌ها را به‌گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کنند که منجر به شادکامی آنها می‌شود (اگان^{۱۰}، چان^{۱۱}، و شورتر^{۱۲}، ۲۰۱۴). براین اساس، می‌توان انتظار داشت که بهزیستی ذهنی نقش بسیار مهمی در سلامت جسمی و روانی افراد داشته باشد (پیلترز^{۱۳}، و پنگپید^{۱۴}، ۲۰۱۳). همسو با این نتایج، کاهنمن^{۱۵} و کروگر^{۱۶} (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود دریافتند افرادی که از بهزیستی و شادکامی بیشتری برخوردارند و رضایت بیشتری از زندگی تجربه می‌کنند، بالطبع ارزیابی بهتری نیز از احساسات و نگرش‌های خود دارند. ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت بالایی در اسلام دارد، به طوری که براساس آیات و

1. Roothman, B.
2. Kirsten, D.K.
3. Wissing, M.P.
4. Røysamb, E.
5. Durayappah, A.
6. Turkdogan, T.
7. Duru, E.
8. Lucas, R. E.
9. Diner, E.
10. Egan, V.
11. Chan, S.
12. Shorter, G.W.
13. Peltzer, K.
14. Pengpid, S.
15. Kahneman, D.
16. Krueger, H.D.

روایات می‌توان به اثراتی مثبتی چون داشتن پیوندی محکم، ایجاد آرامش، نجات از فقر و برخورداری از فضل خدا، دوری از گناه، تکثیر نسل، کامل‌کننده دین، عامل ارزش یافت عبادت و... اشاره کرد. (بوجاری، و پرچم، ۱۳۹۲) با توجه به فواید ازدواج برای فرد و جامعه نمی‌توان به سادگی از پرداختن به موضوع ازدواج و بررسی دقیق و علمی آن چشم‌پوشی کرد، اما آنچه در جامعه دیده می‌شود کم‌توجهی و حتی کم‌ارزش شمردن این امر مقدس به ویژه در بین جوانان است. با توجه به اینکه آیات و روایات اسلامی سفارش بی‌شماری به ازدواج و نحوه همسرگزینی دارند، فاصله گرفتن از آن و عدم مطالعه و بررسی علمی آن می‌تواند نشان‌دهنده عدم توجه به سفارشات اسلام باشد که این تهدیدی برای جامعه اسلامی است.

بدون شک باورهای غیرمنطقی همسرگزینی می‌تواند اثر مخربی هم در انتخاب همسر و هم در تداوم زندگی زناشویی داشته باشد. در این میان عواملی در پیدایش این باورها نقش بسزایی دارند که از جمله آنها می‌توان به بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در شکل‌گیری و بقای این باورها اشاره کرد. همچنین احتمال دارد که باورهای غیرمنطقی همسرگزینی و عوامل فرض شده مرتبط با آن در بین دو جنس دختر و پسر متفاوت باشد. از این رو، به علت سفارش اسلام به امر ازدواج از سویی و کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه و بررسی فرض‌های مطرح‌شده از سوی دیگر، هدف پژوهش حاضر مقایسه و پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی براساس بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پسران و دختران مجرد می‌باشد.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع مقایسه‌ای و همبستگی انجام شد. پس از انتخاب و تأیید موضوع و کسب مجوزهای لازم، ابزارهای پژوهش به صورت تصادفی به نمونه‌های پژوهش داده شد و اطلاعات لازم و محرمانه بودن پژوهش به نمونه‌های پژوهش تبیین گردید و سپس داده‌ها جمع‌آوری شد. این داده‌ها با تحلیل واریانس چندمتغیری، ضریب



همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری به روش گام به گام و با کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

۲-۲. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مجرد دانشگاه پیام نور واحد تالش و مشغول به تحصیل در سال ۹۶-۱۳۹۵ بودند. توصیه شده است که در پژوهش های علی مقایسه ای حجم هر گروه نمونه حداقل ۳۰ نفر باشد (دلاور، ۱۳۹۵) و براساس نظر گال^۱، بورگ^۲ و گال^۳ (۱۹۹۶) در تحلیل رگرسیون برای هر متغیر پیش بین حداقل باید ۱۵ نفر به اندازه نمونه اضافه شود و چون پژوهش حاضر هفت متغیره است، می بایست حداقل ۱۰۵ نفر نمونه گیری شود، اما به علت بالا بردن اعتبار پژوهش ۳۰۰ نفر (۱۸۷ دختر و ۱۱۳ پسر) از دانشجویان به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. مقیاس تجدیدنظر شده دلبستگی بزرگسال^۴

پرسش نامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز^۵ و رید^۶ (۱۹۹۹) شامل خود - ارزیابی از مهارت های ایجاد ارتباط و خود - توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ ماده است که با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت سنجیده می شود. تحلیل عوامل، سه زیرمقیاس را مشخص می سازد که به هر یک از زیرمقیاس ها شش عبارت اختصاص یافته است. این زیرمقیاس ها عبارتند از: وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب که به ترتیب معادل با سبک دلبستگی اجتنابی، ایمن و دوسوگراست. پایایی این پرسش نامه نشان داد که زیرمقیاس های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. کولینز و رید (۱۹۹۹) برای بررسی پایایی پرسش نامه، میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس، در

1. Gall, M. D.
2. Borg, W. R.
3. Gall, J. P.
4. Revised Adult Attachment Scale
5. Collins, N.L.
6. Read, S.J.

نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب برای زیرمقیاس نزدیک بودن به میزان ۰/۸۱، ۰/۸۲؛ زیرمقیاس وابستگی به میزان ۰/۷۸، ۰/۸۰ و زیرمقیاس اضطراب به میزان ۰/۸۵، ۰/۸۳ گزارش کرده است. پاکدامن (۱۳۸۰) این مقیاس را در جامعه ایرانی هنجارسازی کرد و روایی محتوایی و سازه آن را خوب گزارش کرده است. همچنین پایایی آن را در دو بار اجرا با فاصله یک ماه، ۰/۹۵ گزارش کرده است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ذکر شده در این پژوهش برای دلبستگی ایمن ۰/۲۴، اجتنابی ۰/۳۷ و دوسوگرا ۰/۶۵ بود.

۲-۳-۲. مقیاس نگرش به نحوه انتخاب همسر^۱

این مقیاس، شامل ۳۲ گویه و ۷ خرده مقیاس عشق باوری، تجربه محوری، ایده آل نگر، متضاد جویی، آسان بینی و خوش باوری است که در طیف هفت امتیازی از به شدت موافقم تا به شدت مخالفم نمره گذاری شده است. یافته های پژوهش کوب^۲، لارسون^۳ و واتسون^۴ (۲۰۰۳) حاکی از پایایی و روایی مطلوب برای این نگرش سنج بود. به طوری که پس از تأیید روایی صوری این مقیاس، میزان آلفای کرونباخ عامل ها بین ۰/۸۸ تا ۰/۶۷ گزارش شد که ۰/۴۸/۷ از واریانس کل را تبیین می کند. در ایران نیز پژوهش سپهری و حسین زاده توکلی (۱۳۹۰)، آلفای کرونباخ را برای هر یک از عامل های عشق باوری، تجربه محوری، ایده آل نگر، متضاد جویی، آسان بینی و خوش باوری به ترتیب ۰/۸۲۲، ۰/۸۷۳، ۰/۶۵۹، ۰/۵۹۵، ۰/۵۰۴ و ۰/۳۷۰ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس های عشق باوری، تجربه جویی، ایده آل نگر، متضاد جویی، آسان بینی و خوش باوری به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۸۱، ۰/۶۶، ۰/۱۴، ۰/۴۳ و ۰/۴۳ و برای کل مقیاس ۰/۸۶ بود.

۲-۳-۳. سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ^۵

در این پژوهش از فرم ۳۷ ماده ای سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ (۲۰۰۱) استفاده شد. این پرسش نامه دارای سه خرده مقیاس های دفاع های روان شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت است که به صورت طیف لیکرتی پنج درجه ای از هرگز درست

1. Attitudes about Romance and Mate Selection scale
2. Cobb, N.P.
3. Larson, J.H.
4. Watson, W. L.
5. Kernberg's Inventory of Personality Organization (IPO)



نیست، تا همیشه درست است، نمره‌گذاری می‌شود. آل بهبهانی و محمدی (۱۳۸۶) این مقیاس را در جامعه ایران هنجاریابی کردند. پایایی سیاهه مزبور از طریق همسانی درونی بررسی گردید که ضرایب پایایی برای کل سیاهه و خرده مقیاس‌های دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت، به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۹۱ و محاسبه گردید. برای مطالعه روایی سیاهه سازمان شخصیت از سه روش روایی همزمان، همبستگی خرده مقیاس‌های این سیاهه با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. روایی همزمان سیاهه سازمان شخصیت از طریق اجرای همزمان پرسش‌نامه باس^۱ و پری^۲ و مقیاس عاطفه مثبت و منفی انجام گردید که ضرایب همبستگی بین سیاهه سازمان شخصیت با خرده مقیاس‌های پرخاشگری جسمی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت از پرسش‌نامه باس و پری به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۱۸، ۰/۳۹ و ۰/۴۴ و با مقیاس عاطفه مثبت و منفی ۰/۲۱- و ۰/۴۰ گزارش شد. ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌های این سیاهه با نمره کل، رضایت‌بخش و بین ۰/۴۵ تا ۰/۷۵ متغیر بود. نتیجه تحلیل عوامل با استفاده از روش چرخشی واریماکس و براساس آزمون اسکری بیانگر وجود عوامل دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت در این سیاهه بود که در مجموع بیش از ۳۹/۷۸٪ واریانس کل آزمون را تبیین کرد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ذکر شده در این پژوهش برای زیرمقیاس‌های دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، سردرگمی هویت و آزمونگری واقعیت به ترتیب برابر ۰/۷۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۸ و همچنین برای کل مقیاس شخصیت ۰/۹۰ بود.

۲-۳-۴. مقیاس بهزیستی ذهنی^۳

این پرسش‌نامه توسط کیز^۴، شموتکین^۵ و ریف^۶ (۲۰۰۲) تهیه شد و توسط شکری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶) در ایران مورد استفاده قرار گرفت. در این پرسش‌نامه، بهزیستی ذهنی به نمرات به دست آمده از مقیاس عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از

1. Buss
2. Perry
3. Scales of Subjective Well-being
4. Keyes, C.L.M.
5. Shmotkin, D.
6. Ryff, C.D.

زندگی اشاره می‌کند (کیز شموئکین، وریف، ۲۰۰۲). مؤلفه رضایت کلی از زندگی، با یک مقیاس تک سؤالی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب به کمک ۶ عبارت مثبت و منفی ارزیابی می‌شود. در زیرمقیاس عاطفه مثبت و منفی شرکت‌کنندگان باید با استفاده از ۶ نشانگر وضعیت خود را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از هیچ‌وقت تا تمام‌وقت مشخص نمایند. گویه‌های مقیاس عاطفه منفی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین، نمرات مثبت بالاتر در این مقیاس نشان دهنده تجربه عاطفی منفی کمتر و در گویه‌های مقیاس عاطفه مثبت، نمرات بالاتر نشان دهنده تجربه عاطفه مثبت بیشتر است. به شکری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶) روایی محتوایی این مقیاس را مناسب ارزیابی کرده‌اند و پایایی عاطفه مثبت و عاطفه منفی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۹ گزارش نمود. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، برای زیرمقیاس عاطفه مثبت ۰/۸۸، برای عاطفه منفی ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۶۵ بود.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری مقایسه متغیرهای پژوهش در دو گروه دختران و پسران

متغیر	دختران		پسران		آزمون F	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد		
باورهای غیرمنطقی همسرگزینی	۱۳۶/۲۶	۲۳/۰۸	۱۴۱/۲۱	۲۳/۳۴	۳/۲۰	۰/۰۷۴
بهریستی ذهنی	۴۲/۹۴	۵/۹۸	۴۲/۵۱	۵/۶۱	۰/۳۷۷	۰/۵۴۰
دلبستگی ایمن	۱۲/۲۹	۲/۶	۱۲/۶۲	۲/۸۹	۱/۰۰۲	۰/۳۱۸
دلبستگی اجتنابی	۱۱/۱۶	۳/۰۳	۱۰/۹۷	۳/۲۴	۰/۲۶۹	۰/۶۰۵
دلبستگی دوسوگرا	۱۳/۵۵	۶/۰۹	۱۲/۶۹	۵/۰۰۱	۱/۶۲	۰/۲۰۴
دفاع‌های روانی	۱۷/۲۴	۶/۲۲	۱۷/۸۱	۷/۳۶	۰/۵۲۰	۰/۴۷۱
سردرگمی هویت	۱۷/۳۲	۵/۰۰۲	۱۷/۲۰	۵/۵۲	۰/۰۳۹	۰/۸۴۳
آزمونگری واقعیت	۲۳/۹۶	۱۱/۹۱	۲۷/۵۹	۱۴/۰۴	۵/۷۰	۰/۰۱۸

جدول «شماره ۱» نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری به منظور مقایسه متغیرهای پژوهش در بین دو گروه دختران و پسران را نشان می‌دهد. پیش فرض‌های تحلیل واریانس چند متغیری محاسبه شد و نتایج به دست آمده نشان از مناسب بودن داده‌های به دست آمده برای انجام تحلیل واریانس بود. براساس نتایج به دست آمده، بین دختران و پسران



در متغیرهای باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سبک‌های دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی دوسوگرا، دفاع‌های روانی و سردرگمی هویت تفاوت معناداری وجود ندارد، اما در متغیر آزمونگری واقعیت در بین دختران و پسران تفاوت آماری معناداری وجود دارد ($F = 5/70$ ، $p < 0/01$) و میانگین پسران با میزان $27/59$ از میانگین دختران با میزان $23/96$ بالاتر است.

جدول شماره ۲: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نگرش به نحوه انتخاب همسر

متغیرها	نگرش به انتخاب همسر	میانگین	انحراف استاندارد
باورهای غیرمنطقی همسرگزینی	۱	۱۳۸/۱۳	۲۳/۲۶
بهزیستی ذهنی	۰/۲۴۶*	۴۲/۷۸	۵/۸۴
دلبستگی ایمن	-۰/۱۴۷*	۱۲/۴۲	۲/۷۵
دلبستگی اجتنابی	۰/۰۵۱	۱۱/۰۹	۳/۱۱
دلبستگی دوسوگرا	۰/۲۴۸*	۱۳/۲۳	۵/۷۱
دفاع‌های روانی	۰/۲۶۸*	۱۷/۴۵	۶/۶۶
سردرگمی هویت	۰/۳۰۷*	۱۷/۲۸	۵/۱۹
آزمونگری واقعیت	۰/۳۳۷*	۲۵/۳۳	۱۲/۸۵

* $p < 0/05$

نتایج همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۲ قابل مشاهده است: نتایج همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته در جدول «شماره ۲» قابل مشاهده است. بر اساس نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، همبستگی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی با متغیرهای بهزیستی ذهنی با میزان $0/246$ ، دلبستگی ایمن با میزان $-0/147$ ، دلبستگی دوسوگرا با میزان $0/248$ ، دفاع‌های روانی با میزان $0/268$ ، سردرگمی هویت با میزان $0/307$ و با آزمونگری واقعیت با میزان $0/337$ معنادار است ($p < 0/05$)، اما همبستگی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی با دلبستگی اجتنابی با میزان $0/051$ ($p < 0/05$) معنادار نیست.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری و ضرایب رگرسیون بین متغیرهای پیش بین با متغیر باورهای غیرمنطقی همسرگزینی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین (R^2)	مقدار بتای استاندارد (β)	مقدار بتا معیار	خطای T آماره	سطح معناداری
باورهای غیرمنطقی همسرگزینی	آزمونگری واقعیت	۰/۴۳۲	۰/۱۸۶	۰/۲۰۲	۰/۳۶۶	۰/۱۱۱	۰/۰۰۱
	بهبزستی ذهنی			۰/۱۸۵	۰/۷۳۷	۰/۲۱۷	۰/۰۰۱
	سردرگمی هویت			۰/۱۷۳	۰/۷۷۲	۰/۲۶۹	۰/۰۰۴
	دل بستگی ایمن			-۰/۱۳۳	-۱/۱۲۳	۰/۴۴۸	۰/۰۱۳

به منظور بررسی مقدار تبیین باورهای غیرمنطقی همسرگزینی براساس متغیرهای بهزیستی ذهنی، سبک های دل بستگی و ساختار شخصیت از رگرسیون چندمتغیری و به روش گام به گام استفاده شد که نتایج گام آخر در جدول «شماره ۳» قابل مشاهده است. در برآورد مقدار رگرسیون، مفروضه های خطی بودن، نرمال بودن، ثابت بودن واریانس و هم خطی بودن چندگانه برقرار بود. با توجه به جدول «شماره ۳» چون سطح معناداری متغیرهای پیش بین باورهای غیرمنطقی همسرگزینی براساس متغیرهای آزمونگری واقعیت، بهزیستی ذهنی، سردرگمی هویت و دل بستگی ایمن کمتر از ۰/۰۵ است، می توان گفت که مدل رگرسیونی معنادار است ($F = ۱۶/۸۹$ ، $p < ۰/۰۰۱$). با توجه به اینکه سایر متغیرهای دل بستگی اجتنابی، دل بستگی دوسوگرا و دفاع های روانی اثر معناداری در پیش بینی نداشتند از معادله رگرسیون حذف شدند. بدین صورت متغیرهای آزمونگری واقعیت، بهزیستی ذهنی، سردرگمی هویت و دل بستگی ایمن می توانند باورهای غیرمنطقی همسرگزینی را پیش بینی کنند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۸/۶٪ از واریانس باورهای غیرمنطقی همسرگزینی با این سه متغیر قابل تبیین است. با توجه به ضرایب بتای استاندارد، به ترتیب آزمونگری واقعیت ($\beta = ۰/۲۰۲$)، بهزیستی ذهنی ($\beta = ۰/۱۸۵$)، سردرگمی هویت ($\beta = ۰/۱۷۳$) و دل بستگی ایمن ($\beta = -۰/۱۳۳$) سهم مهمی در تبیین باورهای غیرمنطقی همسرگزینی دارند. بدین صورت که به طور جداگانه ۲۰/۲٪ از واریانس باورهای غیرمنطقی همسرگزینی توسط آزمونگری واقعیت، ۱۸/۵٪ توسط بهزیستی ذهنی، ۱۷/۳٪ توسط سردرگمی هویت و ۱۳/۳٪ توسط سبک دل بستگی ایمن پیش بینی می شود. همچنین میزان همبستگی متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک



۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه و پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی براساس بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پسران و دختران مجرد انجام شد. در مقایسه باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در بین پسران و دختران، نتایج داده‌ها نشان داد که بجز آزمونگری واقعیت (به مثابه یکی از مؤلفه‌های سازمان شخصیت) بین باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های دفاع‌های روانی و سردرگمی هویت از سازمان شخصیت در میان پسران و دختران تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته در زمینه عدم تفاوت معنادار دختران و پسران در باورهای غیرمنطقی انتخاب همسر با نتایج یافته ییلماز^۱، چیانگونگور^۲ و بالسیکلیک^۳ (۲۰۱۳)؛ در زمینه بهزیستی ذهنی با نتایج مارکوس و همکاران^۴ (۲۰۰۴)، موسی رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، شکری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶) و تقریبی، شریفی و سوکی (۱۳۹۱) و در زمینه سبک دلبستگی با نتایج داچرم^۵، دوایل^۶ و مارکیویز^۷ (۲۰۰۲)، باربارا^۸ و هورویتز^۹ (۲۰۰۴)، برجعلی، برشان و درتاج (۱۳۸۸) و حسینی خواه و واحدیان (۱۳۹۰) همسوست.

در زمینه مقایسه باورهای غیرمنطقی همسرگزینی و ازدواج در بین دو جنس، پژوهش اندکی یافت شد. پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر به مقایسه ملاک‌های انتخاب همسر بین دختران و پسران پرداخته‌اند (لی^{۱۰}، والنتین^{۱۱}، و پاتل^{۱۲}؛ جبرائیلی، زاده‌محمدی، وحیدری، ۱۳۹۲) که به خاطر

1. Yılmaz, M.
2. Cihan Güngör, H.
3. Balci Çelik, S.
4. Markus. H.R., & et al
5. Ducharme, J.
6. Doyle, A.B.
7. Markiewicz, D.
8. Barbara, R.
9. Horvitz, L.
10. Li, N.P.
11. valentine, K.A.
12. Patel, L.



متفاوت بودن جنسیت این ملاک‌ها هم دستخوش تغییر می‌شود، اما در مورد باورهای غیرمنطقی همسرگزینی و انتخاب همسر این تفاوت ناچیز است (بیلماز، چیانگونگور، و بالسیکلیک، ۲۰۱۳). طبق نظر لازاروس^۱ (۲۰۰۱) پسران و دختران دارای اسطوره‌های ازدواج^۲ هستند؛ به این صورت که (بدون توجه به جنس) هر دو به ازدواج به شکل غیرمنطقی نگاه می‌کنند و بین آنها تفاوتی وجود ندارد. جوئل و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در بررسی خود نشان دادند که هرچند باور عموم مردم برای این است که بین رفتار و مغز مردان و زنان تفاوت وجود دارد، در واقع بین آنان تفاوتی نیست و چیزی به عنوان مغز زنانه و مغز مردانه وجود ندارد. بنابراین، نوع نگاه به ازدواج و همسرگزینی تحت تأثیر محیط و فرهنگ افراد قرار دارد و دختران و پسران از اجتماع و فرهنگ خود باورهای غیرمنطقی مربوط به همسرگزینی را یاد می‌گیرند. از این رو، به خاطر محیط مشابه و متعاقب آن یادگیری باورهای مشابه، دور از انتظار نیست که بین دختران و پسران در باورهای غیرمنطقی همسرگزینی تفاوت معناداری مشاهده نشود.

در زمینه تفاوت بهزیستی ذهنی در پسران و دختران، نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین دو جنس وجود ندارد، اما در میان پژوهش‌های گزارش شده نتایج متفاوتی به چشم می‌خورد. بعضی از پژوهش‌ها به تفاوت دو جنس در ابعاد بهزیستی ذهنی (کامپتون^۴، ۲۰۰۱؛ میکائیلی منیع، ۱۳۸۹) و بعضی پژوهش‌ها به عدم تفاوت ابعاد بهزیستی ذهنی در بین دختران و پسران (مارکوس، و همکاران، ۲۰۰۴؛ شکری، کدیور، و دانش‌پور، ۱۳۸۶؛ تقربی، شریفی، و سوکی، ۱۳۹۱؛ موسی رضایی، و همکاران، ۱۳۹۳) اشاره کرده‌اند. شاید بتوان گفت این نتایج متفاوت به خاطر عدم تعریف روشن از بهزیستی ذهنی، عوامل تأثیرگذار مختلف در هر ناحیه و ابزارهای مختلف باشد. همانطور که عنوان شد بهزیستی ذهنی یک حالت کلی است که علاوه بر ارزیابی‌های مثبت و منفی فرد از زندگی خود، لذت، احساسات، نیازهای اساسی و غیره را نیز شامل می‌شود (دارایاپا، ۲۰۱۱؛ ترک‌دوگان، و دارا، ۲۰۱۲). در تبیین این یافته نیز می‌توان به یافته جوئل و همکاران (۲۰۱۵) استناد کرد که از نظر ذهنی و فرایندهای آن بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد. وجود ساختارهای ذهنی مشابه و در سطح ملی، وجود آموزش‌ها و امکانات یکسان،

1. Lazarus, A.A.

2. marital myths

3. Joel, D., & et al

4. Compton, W.C.

موجب می‌شود که دو جنس از نظر بهزیستی ذهنی کم و بیش مشابه همدیگر باشند و تفاوت معناداری بین آنها نباشد. در واقع می‌توان گفت که بهزیستی ذهنی بین افراد متفاوت است نه بین جنس دختر و پسر.

همسو با نتایج پژوهش حاضر، یافته‌های داچرم، دوایل و مارکیویز (۲۰۰۲)، باربارا و هورویتز (۲۰۰۴) و حسینی خواه و واحدیان (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که بین دو جنس از نظر سبک‌های دلبستگی تفاوت معناداری وجود ندارد. با این وجود، در بررسی میانگین سبک‌های دلبستگی، دختران در مقایسه با پسران شرایط بدتری دارند؛ چرا که میانگین سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی در دختران بیشتر و میانگین سبک دلبستگی ایمن در دختران کمتر از پسران است. در تبیین اینکه در پژوهش حاضر چرا تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشد، هم عقیده با تبیین برجعلی، برشان و درتاج (۱۳۸۸) و حسینی خواه و واحدیان (۱۳۹۰) احتمال می‌رود که جنسیت عاملی برای تفاوت بودن سبک دلبستگی در پسران و دختران نباشد. شاید جنسیت موجب انتظار متفاوت والدین از دختر و پسر در مورد نقش‌های جنسیتی^۱ باشد، اما به این معنی نیست که والدین و به ویژه مادر از نظر در دسترس بودن و پاسخگو بودن (دو عنصر اصلی در تعیین سبک دلبستگی (بالبی، ۱۹۶۹)) برای پسران در مقایسه با دختران متفاوت عمل کنند. براین اساس، چون سبک دلبستگی افراد توسط والدین و به ویژه مادر ایجاد می‌شود، نوع رابطه والدین تعیین‌کننده سبک‌های دلبستگی متفاوت است و جنسیت افراد نمی‌تواند نقشی در سبک‌های دلبستگی متفاوت داشته باشد.

در مقایسه سازمان شخصیت، نتایج نشان از معنادار نبودن مؤلفه‌های سردرگمی هویت و دفاع‌های روانی و در مقابل، معنادار بودن آزمونگری واقعیت در بین دختران و پسران است. در زمینه هویت‌یابی، نتایج به دست آمده همسو با پژوهش برزونسکی و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، وایت^۴، ومپلر^۵ و وین^۶ (۱۹۹۸)، فولادچنگ، شیخ‌الاسلامی و صفری (۱۳۸۹) و

1. gender role
2. Bowlby, J.
3. Berzonsky, M.D., & et al
4. White, J. M.
5. Wampler, R. S.
6. Winn, K. I.

بخشایش (۱۳۹۲) است. در جدیدترین پژوهش انجام شده، رقیبی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر (۱۹۹ دختر و ۲۰۱ پسر) نشان دادند که بین دختران و پسران تفاوت معناداری در سردرگمی هویت وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بنابر نظریه اریکسون^۱ (۱۹۶۸)، سردرگمی هویت در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد و بیشتر با سن همراه است. بنابراین، چون افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دوره نوجوانی را طی کرده‌اند و وارد دوره جوانی و تحصیلات دانشگاهی شده‌اند، انتظار می‌رود که از شدت سردرگمی هویت در آنان کاسته شده باشد. براساس پژوهش ریو^۲، پورتر^۳ و نیکسون^۴ (۲۰۱۴) با افزایش سن و پشت سر گذاشتن دوره بلوغ از سردرگمی هویتی افراد کاسته می‌شود و تفاوت‌های دختران و پسران در زمینه هویت کم می‌شود. پس می‌توان گفت که به علت افزایش سن، رشد مهارت‌های شناختی و کسب اطلاعات که همزمان در هر دو جنس اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود که بین دو جنس تفاوت معناداری در سردرگمی هویتی آنان وجود نداشته باشد.

در مؤلفه دفاع‌های روانی، نتایج پژوهش‌های بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰)، گودرزی (۱۳۹۲) و پیرزاده و همکاران^۵ (۲۰۱۵) نشان دادند که مشابه با نتیجه به دست آمده در بین دختران و پسران تفاوت معناداری در سبک‌های دفاعی وجود ندارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که مکانیزم‌های دفاعی، وظیفه محافظت از من^۶ را دارند و براساس نوع کنش‌وری ممکن است کارآمد یا ناکارآمد باشند و بنا بر نظر فروید^۷ (۱۹۲۳) افراد از یک مکانیزم دفاعی استفاده نمی‌کنند. از این رو، با توجه به محدود بودن مکانیزم‌های دفاعی شناخته شده، انتظار می‌رود که هر دو جنس در شرایط مختلف از مکانیزم‌های مختلفی استفاده کنند و همین موجب عدم تفاوت معنادار بین آنها شود. در بررسی مؤلفه آزمونگری واقعیت، پژوهشی یافت نشد که به طور دقیق این مؤلفه را در بین دو جنس مقایسه کند، اما

1. Erikson
2. Reio, T. G.
3. Portes, P. R.
4. Nixon, C. B.
5. Pirzadeh, H., & et al
6. Ego
7. Freud, S.



نتایج پژوهش نجاریوراستادی و همکاران (۱۳۸۹) در مورد متغیر نزدیک به این مؤلفه، با نام باورهای غیرمنطقی، همسو با نتایج این پژوهش است. به این صورت که در پژوهش حاضر میانگین پسران در آزمونگری واقعیت بیشتر از دختران بود و در پژوهش نجاریوراستادی و همکاران (۱۳۸۹) میانگین پسران در باورهای غیرمنطقی کمتر از دختران بود. بنا بر نظر هومن و همکاران (۱۳۹۲) هوش سیال یا همان ادراک روابط در پسران بالاتر از دختران است؛ از این رو می‌توان تفاوت آزمونگری واقعیت را به تفاوت‌های زیستی در دو جنس ربط داد.

در بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی بر اساس بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی نتایج پژوهش نشان داد که هرچند در همبستگی به غیر از دلبستگی اجتنابی، بین متغیرهای ذکر شده با باورهای غیرمنطقی همسرگزینی رابطه معناداری وجود دارد، اما نتایج رگرسیون نشان داد که تنها بهزیستی ذهنی، سبک دلبستگی ایمن و مؤلفه‌های آزمونگری واقعیت و سردرگمی هویت قادر به پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی است. در زمینه بهزیستی ذهنی و باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، پژوهشی یافت نشد، اما بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تعدادی از باورهای غیرمنطقی انتخاب همسر (مانند یک و فقط یکی، عشق کافی است، شریک کامل و رابطه کامل) با باورهای مربوط به عشق و رابطه رمانتیک همپوشانی دارد (کوب، لارسون، واتسون، ۲۰۰۳؛ رجبی، فردوسی، و شهبازی، ۱۳۹۰). پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که عشق و رابطه رمانتیک با بهزیستی ذهنی رابطه دارند (رفیعی‌نیا، واصغری، ۱۳۸۶). از این رو می‌توان گفت نگاهی که افراد به همسرگزینی و ازدواج دارند، هرچند منطبق با واقعیت بیرونی نباشد، اما از دیدگاه پدیدارشناسی^۱ برای خود فرد واقعی است و بهزیستی ذهنی هم ارزیابی‌های مثبت و منفی خود فرد از زندگی خود، لذت، احساسات، نیازهای اساسی است (دارایاپا، ۲۰۱۱؛ ترکدوگان، و دارا، ۲۰۱۲). پس باوری که فرد از همسرگزینی دارد شاید برای مشاهده‌گر بیرونی غیرمنطقی باشد، اما برای خود فرد منطقی است و این منطق تا زمانی که به مشکل برنخورد، می‌تواند برای فرد بهزیستی به همراه بیاورد.

از مؤلفه‌های سازمان شخصیت بجز مؤلفه دفاع‌های روان‌شناختی نخستین، مؤلفه‌های

آزمونگری واقعیت و سردرگمی هویت به صورت مثبت باورهای غیرمنطقی همسرگزینی را پیش‌بینی کرد. در این زمینه پژوهشی یافت نشد تا این رابطه را مورد بررسی قرار داده باشد. نتایج به دست آمده از آزمونگری واقعیت که به تلاش فرد برای متمایز کردن خود از غیر خود و محرک‌های درونی از بیرونی اشاره دارد (میلون و همکاران، ۲۰۰۴) با انتظار پژوهشگر همخوانی نداشت. این یافته شاید به علت عدم میل و رغبت به ابزار پژوهش نیز باشد. یا همان‌طور که ذکر شد، چون بیشتر حجم نمونه را دختران تشکیل دادند و بنابر پژوهش نجاری‌پور استادی و همکاران (۱۳۸۹) و هومن و همکاران (۱۳۹۲) دختران در تفکر منطقی و درک روابط، نسبت به پسران ضعیف‌تر عمل می‌کنند، بی‌تأثیر نباشد. افراد با سردرگمی هویت در تصمیم‌گیری و رویارویی با مسائل تعلل و درنگ دارند (بخشایش، ۱۳۹۲) و طبق پژوهش برزونسکی (۱۹۹۴) این نوع افراد خوداندیشی، خودآگاهی و تلاش شناختی کمی دارند. برای مثال از جمله باورهای غیرمنطقی همسرگزینی این باور است که انتخاب همسر آسان است و همچنین انتخاب بر اساس شانس و تصادف روی می‌دهد و نیازی به آمادگی یا فعالیت ندارد. از این رو، این افراد با عدم تلاش‌های شناختی و کسب آگاهی به درک و باور درستی از همسرگزینی نمی‌رسند و باورهای غیرعقلانی را در خود پرورش می‌دهند.

در بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، تنها سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی بود. این نتیجه همسو با پژوهش حسین پورلنگرودی، نوری قاسم‌آبادی و وکیلی (۱۳۹۲) است. پژوهش‌های مؤمن‌زاده، مظاهری و حیدری (۱۳۸۴) بشارت و همکاران (۱۳۹۱)، به رابطه سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی (به‌طور کلی) اشاره دارد. نوری و جان‌بزرگی (۱۳۹۰)، شالوند (۱۳۹۱) و رازقی، مظاهری و احدی (۱۳۹۴) گزارش کرده‌اند که سبک‌های دلبستگی با ارزش‌های ازدواج و نگرش به عشق و ارجحیت ملاک‌های همسرگزینی رابطه دارد. تجارب دوران کودکی نقش مهمی در شکل‌گیری ترجیح‌ها و باورهای همسرگزینی دارد و الگوهای والدینی ممکن است زوج‌ها را در زمینه رگه‌های شخصیتی طرف مقابل هدایت کند (لوکازوسکی^۱ و رونی^۲، ۲۰۱۰). افراد با سبک دلبستگی ایمن روندی طبیعی و مثبت برای اکتشاف پیرامون خود طی می‌کنند

1. Lukaszewski, A. W.

2. Roney, J. R.



و کمتر توسط ناایمنی‌های درونی برانگیخته می‌شوند (رازقی، مظاهری، واحدی، ۱۳۹۴). بشارت و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود اشاره می‌کند که افراد ناایمن در امر همسرگزینی ملاک‌هایی را در نظر می‌گیرند که بیشتر دغدغه درونی آنهاست تا اینکه منطقی و براساس واقعیت باشد. بزرگسالان ایمن، عوامل و ملاحظات شناختی و هیجانی را با یکدیگر تلفیق می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که فقط یکی از آنها تسلط یابند. بزرگسال اجتنابی بیشتر به عوامل هیجانی و بزرگسالان دوسوگرا بیشتر به عوامل شناختی اهمیت می‌دهند. از این رو، افراد برخوردار از سبک ایمن، برخلاف افراد ایمن، سناریوی دوران کودکی را در انتخاب همسر تکرار می‌کنند و بر نگرش و باورهای تکیه می‌کنند که منطبق بر واقعیت نیست.

سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و مؤلفه دفاع‌های روانی نخستین، متغیرهایی بودند که برخلاف رابطه معنادار، توان پیش‌بینی معنادار را نداشتند. در رابطه با سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی، نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش حسین پورلنگرودی، نوری قاسم‌آبادی و وکیلی (۱۳۹۲) است، اما در رابطه با سبک‌های دفاعی پژوهشی یافت نشد. شاید بتوان این نتیجه را این‌گونه تبیین کرد که افراد برخوردار از ویژگی‌های فوق از واقعیت گریزان و در حالت بینابین هستند و واقعیت را به‌گونه‌ای تحریف و انکار می‌کنند که به‌نوعی توجیه‌پذیر جلوه کند. همچنین می‌توان به تأثیر جنسیت، خانواده، محیط آموزشی، قومیت و فرهنگ اشاره کرد که در پژوهش حاضر متغیرهای مداخله‌گر بودند.

در آخر می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در بین پسران و دختران در باورهای غیرمنطقی همسرگزینی، بهزیستی ذهنی، سبک‌های دلبستگی و سازمان شخصیت تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتیجه دیگر پژوهش حاکی از توانایی بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک دلبستگی در پیش‌بینی باورهای غیرمنطقی همسرگزینی است. در جامعه اسلامی، منابع اسلامی به طور کامل و روشن در مورد ازدواج و شیوه همسرگزینی مطالب علمی فروانی ذکر کرده و سعی داشته است که بسیاری از باورهای غلط همسرگزینی را اصلاح کرده و تغییر دهند؛ چراکه بر این امر واقف بوده‌اند که وجود باورهای غیرمنطقی در مورد انتخاب همسر می‌تواند در شکل‌گیری ازدواج و همچنین تداوم و ابقای خانواده

خلل ایجاد کنند. بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک دلبستگی که اثر قابل توجهی بر روی چارچوب‌های ذهنی افراد در انتخاب همسر دارند نیز به نوعی از سوی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. سفارش اسلام در آیات و روایات گوناگون به هم‌کفو بودن و ساختار شخصیتی و خانوادگی برابر، شرافت و اصالت خانوادگی، سلامت روحی و ذهنی، اخلاق و ... در امر ازدواج و همسرگزینی (بوجاری، و پرچم، ۱۳۹۲) که به بهزیستی ذهنی، سازمان شخصیت و سبک دلبستگی نیز مربوط می‌شوند، نشان می‌دهد که اسلام به اثرات این ویژگی‌ها در همسرگزینی و رابطه زناشویی و خانوادگی واقف است. از این رو، با توجه به سفارشات دین اسلام و همسو بودن یافته‌های پژوهشی با آن، توجه به این ویژگی‌ها و آموزش مردم و به ویژه جوان‌ها در این موارد از سویی می‌تواند در کاهش باورهای غیرمنطقی انتخاب همسر نقش بسزایی داشته باشد و از سوی دیگر باعث شکل‌گیری جامعه اسلامی متعالی شود.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای مشاوران و روان‌شناسان مشغول به مشاوره قبل و بعد از ازدواج و همچنین برای پژوهشگران مفید باشد و ضروری است تا در برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی ازدواج استفاده شود. با توجه به عدم توازن در بین جنسیت نمونه‌های پژوهش حاضر و استفاده از ابزار پرسش‌نامه که حاوی سؤالات زیادی بود و این می‌تواند موجب سوگیری شود، باید در تعمیم داده‌ها احتیاط لازم صورت گیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابراهیمی، نسترن (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش انتخاب و کنترل گلاس بر آزار عاطفی زوجین در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه اصفهان.
۲. احمدزاده، مریم، فرامرزی، سالار، شمسی، عبدالحسین، و صمدی، مریم (۱۳۹۱). فراتحلیل بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی (۱۳۸۹-۱۳۸۱). نشریه اندیشه و رفتار، ۷(۲۵)، ۴۶-۳۷.
۳. آل بهبهانی، مرجان، و محمدی، نورالله (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ. نشریه روان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۱۹۷-۱۸۵.
۴. بخشایش، علیرضا (۱۳۹۲). رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان. نشریه مطالعات ملی، ۱۴(۴)، ۵۰-۳۵.
۵. برجعلی، احمد، برشان، ادیبه، و درتاج، سمیه (۱۳۸۸). بررسی نقش ترتیب تولد و سبک دلبستگی در وابستگی به مواد مخدر. نشریه نظم و امنیت اجتماعی، ۳(۲)، ۱۵۰-۱۲۷.
۶. بشارت، محمدعلی، تیکدری‌نژاد، آفریده، بهرامی‌احسان، هادی، و رضا زاده، سید محمد رضا (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی. نشریه مشاوره کاربردی، ۲(۲)، ۴۴-۲۹.



۷. بشارت، محمدعلی، شریفی، ماندانا، و ایروانی، محمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی. *نشریه روان‌شناسی*، ۵(۳)، ۲۷۷-۲۸۹.
۸. بوجاری، سهیلا، و پرچم، اعظم (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود. *نشریه معرفت/ادیان*، ۴(۳)، ۱۷-۳۶.
۹. پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
۱۰. تقریبی، زهرا، شریفی، خدیجه، و سوکی، زهرا (۱۳۹۱). بهزیستی ذهنی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی کاشان. *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، ۲۰(۱)، ۶۲-۵۴.
۱۱. جبرائیلی، هاشم، زاده‌محمدی، علی، و حیدری، محمود (۱۳۹۲). تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر در بین دو جنس. *نشریه خانواده پژوهی*، ۹(۳۴)، ۱۵۵-۱۷۱.
۱۲. حسین پورلنگ‌رودی، فاطمه، نوری قاسم‌آبادی، ربابه، و وکیلی، پریش (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران. *نشریه تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۴(۳)، ۱۱۳-۱۲۵.
۱۳. حسینی‌خواه، نجمه، و واحدیان، مجتبی (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های دلبستگی و خلایقیت در دانشجویان دختر و پسر. *نشریه ابتکار و خلایقیت در علوم انسانی*، ۱(۲)، ۸۹-۱۰۶.
۱۴. دلاور، علی (۱۳۹۵). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
۱۵. رازقی، نرگس، مظاهری، محمدعلی، واحدی، حسن (۱۳۹۴). نقش سبک‌های دلبستگی در ارجحیت ملاک‌های انتخاب همسر. *نشریه روان‌شناسی تحولی*، ۱۱(۴۴)، ۴۱۵-۴۰۵.
۱۶. رجبی، غلامرضا، فردوسی، سیما، و شهبازی، مسعود (۱۳۹۰۲). بررسی کفایت روان‌سنجی مقیاس باورهای محدودکننده انتخاب همسر. *نشریه مشاوره کاربردی*، ۱(۱)، ۵۶-۳۷.
۱۷. رفیعی‌نیا، پروین، و اصغری، آرزو (۱۳۸۶). رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل. *نشریه خانواده پژوهی*، ۳(۹)، ۴۹۱-۵۰۱.
۱۸. رقیبی، مهوش، مظاهری، مهرداد، شجاعی، مهلا، و کرمی، امیر (۱۳۹۶). مقایسه سبک‌های هویت و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دختر و پسر. *نشریه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۴(۲۶)، ۱۴۴-۱۲۳.
۱۹. سپهری، صفورا، و حسن‌زاده‌توکلی، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر. *نشریه خانواده پژوهی*، ۷(۲۸)، ۴۱۹-۴۰۱.
۲۰. شکری، امید، کدیور، پروین، و دانش‌پور، زهره (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیتی. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳(۳)، ۲۸۹-۲۸۰.
۲۱. شالوند، عشرت (۱۳۹۱). *بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در ملاک‌های همسرگزینی دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۲۲. عارف‌نظری، مسعود، و مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری - تک‌همسری). *نشریه خانواده پژوهی*، ۱(۴)، ۴۰۵-۳۹۳.
۲۳. فولادچنگ، محبوبه، شیخ‌الاسلامی، راضیه، و صفری، هاجر (۱۳۸۹). پیشبینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزندپروری. *نشریه روان‌شناسی*، ۱۴(۱)، ۱۷-۳.
۲۴. قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی، حاتمی‌ورنه، ابوالفضل، اسمعیلی، معصومه، و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. *نشریه زن و جامعه*، ۲(۳)، ۶۰-۳۹.
۲۵. گودرزی، راضیه (۱۳۹۲). *بررسی رابطه انواع هویت و مکانیزم‌های دفاعی*. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی بالینی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه شاهد.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه.ق). *بحار‌الأنوار*. بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
۲۷. موسی‌رضایی، امیر، باقریان‌سرارودی، رضا، فانیان، نسرين، و طباطبائی، سید محمود (۱۳۹۳). پیش‌بینی سطح سلامت روان پرستاران بخش‌های داخلی و جراحی براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی. *نشریه تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲(۳)، ۳۶۹-۳۷۹.
۲۸. مؤمن‌زاده، فرید، مظاهری، محمدعلی، و حیدری، محمود (۱۳۸۴). ارتباط تفکرات غیرمنطقی، و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی. *نشریه خانواده پژوهی*، ۱(۴)، ۳۶۹-۳۷۸.

۲۹. میکائیل منبع، فرانسه (۱۳۸۹). بررسی وضعیت بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه ارومیه. *نشریه افق دانش*، ۱۶(۴)، ۷۳-۶۵.

۳۰. نجاریور استادی، سعید، اسمخانی، اکبری نژاد، هادی، و لیوارجانی، شعله (۱۳۸۹). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای غیرمنطقی با رضایت شغلی در بین کارکنان شرکت سهامی خاص مخابرات استان آذربایجان شرقی. *نشریه فراسوی مدیریت*، ۴(۱۳)، ۵۸-۳۹.

۳۱. نوری، نسیم، و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج. *نشریه علوم رفتاری*، ۵(۳)، ۲۲۵-۲۳۳.

۳۲. نوری، میرزا حسن (۱۳۸۲). *مستدرک الوسائل*، تهران: المکتبه الإسلامیه.

۳۳. هومن، حیدرعلی، امیرگلوی داریانی، مهسا، عسگری، علی، حاتمی‌کیا، افسانه، و رحمانی، مرضیه (۱۳۹۲). مقایسه هوش سیال دانش‌آموزان دختر و پسر بر پایه دو نظریه کلاسیک و سوال-پاسخ. *نشریه روان‌شناسی معاصر*، ۱۸(۱)، ۲۰-۱۱.

34. Ashton, M.C. (2013). *Individual Differences and Personality*. N.Y: Academic Press in an important of Elsevier.
35. Baggarozzi, D., & Rauen, P. (1981). Premarital counseling: Appraisal and status. *American Journal of Family Therapy*, 9(3), 13-20.
36. Barbara, R., & Horvitz, L. (2004). Adolescents' interactions with a best friend: Association with attachment style. *Journal of Experimental Child Psychology*, 88, 102-120.
37. Berzonsky, M.D. (1994). Self-identity: The relationship between process and content. *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.
38. Berzonsky, M.D., Nurmi, J.E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing orientation and cognitive and behavioral strategies: Similarities and differences across different contexts. *European Journal of Personality*, 13, 105- 120.
39. Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Attachment*. London: The Hogarth Press and Institute of Psycho-Analysis.
40. Calgor, E., Kernberg, O.F., & Clarkin, J.F. (2007). *Handbook of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology*. N.Y: American Psychiatric Publishing.
41. Cobb, N.P., Larson, J.H., & Watson, W. L. (2003). Development of the Attitudes about Romance and Mate Selection Scale. *Journal Family Relation*, 3(52), 222-231.
42. Collins, N.L., & Read, S.J. (1999). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
43. Compton, W.C. (2001). Towards a tripartite factor structure of mental health: subjective well-being, personal growth, and religiosity. *Journal of Psychology*, 135, 486-500.
44. Durayappah, A. (2011). The 3p model: A general theory of subjective well-being. *Journal Happiness Stud*, 12, 681-716.
45. Ducharme, J., Doyle, A.B., & Markiewicz, D. (2002). Attachment security with mother and father: Association with adolescents- reports of interpersonal behavior with parents and peers. *Journal of social and personal relationships*, 19, 203-231.
46. Egan, V., Chan, S., & Shorter, G.W. (2014). The dark triad, happiness subjective well-being. *Journal Personality and Individual Differences*, 67, 17-22.
47. Esere, M.O., Ake, Y., & Comfort, O. (2014). Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 114, 584 - 592.

48. Fischer-Kern, M., Schuster, P., Kapusta, N. D., Tmej, A., Rentrop, M., Buchheim, P., Doering, S., Buchheim, A., Hörz, S., Taubner, S., & Fonagy, P. (2010). The relationship between personality organization, reflective functioning, and psychiatric classification in borderline personality disorder. *Journal American Psychological Association*, 27(4), 395–409.
49. Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (1996). *Educational research: An introduction*. N.Y: Longman Publishing.
50. Gurman, A. S. (2009). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. New York : The Guilford Press.
51. Freud, S. (1923). *The Ego and the Id. Standard Edition*. London: Hogarth.
52. Hazan, C., & Zeifman, D. (1994). Sex and the psychological tether. *Journal Advances in personal relationships*, 5, 151-177.
53. Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52, 511- 524.
54. Hébert, E., Diguier, L., Descôteaux, J., Daoust, J.P., Rousseau, J.P., Normandin, L., & Scullion, M. (2003). The Personality Organization Diagnostic Form (Podf)• A Preliminary Report on Its Validity and Interrater Reliability. *Journal Psychotherapy Research*, 13(2), 243–254.
55. Igbo, H., Awopetu, R., & Ekoja, O.C. (2015). Relationship between Duration of Marriage, Personality Trait, Gender and Conflict Resolution Strategies of Spouses. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 190, 490-496.
56. Joel, D., Berman, Z., Tavor, I., Wexler, N., Gaber, O., & Stein, Y. (2015). Sex beyond the genitalia: The human brain mosaic. *Journal Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(50), 15468-15473.
57. Keyes, C.L.M., Shmotkin, D., & Ryff, C.D. (2002). Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(6), 1007-1022
58. Keshavarz, A., Akbari Amrgha, H., & Melatkhah, N. (2013). Effectiveness of Marriage Education before Marriage Change Irrational Beliefs Girls. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 84, 520-524.
59. Kahneman, D., & Krueger, H.D. (2006). Developments in the measurement of subjective well-being. *Journal of Economic Perspectives*, 20(1), 3-22.
60. Lazarus, A.A. (2001). *Marital Myths Revisited: A Fresh Look at Two Dozen Mistaken Beliefs About Marriage*. California: Oxford University.
61. Lucas, R. E., & Diener, E. (2008). *Personality and subjective well-being. Handbook of Personality: Theory and Research*. N.Y: Guilford.
62. Lukaszewski, A. W., & Roney, J. R. (2010). Kind toward whom? Mate preferences for personality traits are target specific. *Journal Evolution and Human Behavior*, 31 (1), 29-38.
63. Li, N.P., Katherine, Valentinea, K.A., & Patelb, L. (2011). Mate preferences in the US and Singapore: A cross-cultural test of the mate preference priority model. *Journal Personality and Individual Differences*, 50(2), 291-294.
64. Mansfield, J. (2007). *Unrealistic marital expectations [On-Line]*. Available: <http://www.lamorapsych.com/knowledgebase/entry>.
65. Markus, H.R., Ryff, C.D., Curhan, K.B., & Palmersheim, K.A. (2004). *In their own words: Wellbeing at midlife among high school and college educated adults*.

Chicago: University of Chicago Press.

66. Millon, T., Grossman, S., Millon, C., Meagher, S., & Ramnath, R. (2004). *Personality disorder in modern life*. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
67. Ozmen, O., & Atikb, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married Individuals. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 5, 367-371.
68. Peltzer, K., & Pengpid, S. (2013). Subjective happiness and health behavior among a sample of university students in India. *Journal Social Behavior and Personality*, 41(6), 1045-1056.
69. Pirzadeh, H., Babaei, R., Bahrami, M., & Jahanbazi, B. (2015). The study of Relationship between Defense Styles and Self-Concept among University Students. *International Journal of biology, Pharmacy and Allied sciences*, 4(11), 254-265.
70. Reio, T. G., Portes, P. R., & Nixon, C. B. (2014). Differences in identity style and process: Can less be more. *Journal New Horizons in Adult Education and Human Resource Development*, 26(4), 26-40.
71. Roothman, B., Kirsten, D.K., & Wissing, M.P. (2003). Gender differences in aspects of psychological well-being. *South African Journal of psychology*, 33, 212-218.
72. Rosen, Grandon, J.R., Meyers, J.E., & Hattic, J.A. (2004). The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital Satisfaction. *Journal of counseling and Development*, 82(1), 58-69.
73. Røysamb, E. (2006). *Personality and well-being: In Wallrath, M.E. (Ed). Handbook of personality and health*. Chichester: West Sussex.
74. Turkdogan, T., & Dura, E. (2012). The role basic needs fulfillment in prediction of subjective well-being among university students. *Journal Educational Sciences: Theory & Practice*, 12(4), 2440-2446.
75. Yılmaz, M., Cihan Güngör, H., & Balcı Çelik, S (2013). Investigation romance and selection myths of university students. *International Journal of Asian Social Science*, 3(2), 416-427.
76. White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The Identity Style Inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-45.

